

وصیت نامه شهید عیسی خدری

بسم الله الرحمن الرحيم

« الَّذِينَ أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ »

خدای به نام تو آغاز می کنم خدایا شهادت می دهم که تو یگانه معبود و خالق جهان هستی و رسالت پیامبر عظیم الشأن و حضرت محمد (ص) را با جان دل پذیرفتم و به روز قیامت نیز معتقد هستم که هر کس در آن دنیا سزای اعمال خود را می بیند و ولایت مولایمان علی(ع) و فرزندان شان (ع) را با جان دل پذیرفتم معبود من معشوق پروردگارا، الهه، ای طیب دردهای دل من، ای خدا جوانی را در فراموشی دوری از تو سپری کردم خدایا من گناه کردم اما گناه من از آن جهت نبود که تو را به بزرگی قبول نداشته باشم، بلکه نفس اماره بر من علیه کرد. معبود من، معشوق من، تو تنها یاور من هستی دوست حق یقی من در تمام دوران زندگی ام تو بوده ای. خدایا تو خودت گفתי که -ای بنده من بیایید به مهمانی من - من بهترین مهمان نواز هستم، ای معبود و معشوق من، امید من به دوست خدای من به فریاد من روز تبلی السرائر برس. خدایا تو خودت گفתי که از درگاه تو هیچ فقیری دست خالی بر نمی گردد. ای خدا اگر گناه از من زشت بوده [و] است اما عفو از تو زیباست. خدایا شیرینی عفو خودت را به ما با شهادت بچشان . ای خدای من، ای پناه بی پناهان، ای گنج فقیران، ای فریادرس مظلومان به فریاد امام عزیز ما فرزند زهرا (س) حضرت روح الله الخمینی برس . خدای من این انسان کامل و ابراهیم زمان و فرزند راستین زهر (س) را دشمن شاد مکن . خدایا به طور یقین می دانم که امام ما با امام عصر و صاحب الزمان و مولایمان امام زمان (عج) ارتباط دارد ، فرمان و امر امام ما فرمان و امر امام زمان (عج) است. خدایا تو را شکر می کنم که تو انستم در این زمان در رکاب او با دشمن اسلام و انسانیت و کسانی که روی یزیدها را و هیتلرها را سفید کردند، بجنگم . آری تجاوزگرانی که دهها شهر و روستای ما را خراب کردند ، به ناموس ما به زنان و فرزندان و کودکان و دختران ما رحم نکردند. به هستی ما رحم نکردندچه نامردانه به خاک شهیدپرورمان به مملکت امام زمان (عج) حمله کردند ، که شاید چراغ و فروغ آقایمان و مولایمان [ناخوانا] امیرمان را خاموش کنند ، اما غافل از این که ما صاحب داریم ما خدا داریم ما زهرا (س) و حسین (ع) داریم و ائمه اطهار (ع) که به فریادمان می رسند.

[ناخوانا] کلمات را بر کاغذ جاری کنم خدا را شکر می کنم که توانستم قدمی ناقابل برای دین تو برای قرآن تو بردارم . مادر جان سلام سلام فرزندی که شاید نتوانسته است [به] وظایفش را خوب ادا کرده باشد - درود خدا بر تو که توانستی فرزندان تربیت کنی که راه علی اکبر(ع) را ادامه دهند- پدر جان با شناختی که

بنده از قلب سرشار از محبت اهل بیت شما می بینم و می دانم که شما را رضا هستید به رضای خدا خدایی که ما را آفریده. مادر جان، دنیا فانی است این دنیا رفتنی است همه باید بروند. اما چه شیرین است مرگی که با عشق و علاقه و اخلاص و پاکی و صفای دل و برای رسیدن به لقای خدا باشد و در میان سنگر و جبهه اسلام باشد. مادر جان - این مرگ ها افسوس ندارد - به خدا قسم افسوس ندارد، می دانم مقداری ناراحت میشوی حق دارید. شما عاطفه دارید. شما من را از همه بچه ها بیشتر دوست داشتید و بنده هم خدا می داند که شما را چقدر دوست دارم، پدر جان بنده را حلال کنید. من نتوانسته ام فرزندی خوب و حرف شنو برای شما باشم. البته خودتان [می] دانید که جوان جاهل است. اجر شما با آقایمان اما حسین (ع) و مادرش زهر (س) خوشحال باشید که دومین فرزند شما توانست که [راه] برادر دلاورش ابراهیم را ادامه دهد و ابراهیمی که مردانه جنگید و در سنگر مبارزه رو در روی دشمن شربت شهادت نوشید. شهدای ما ملائکه هستند، اما در کالبد انسان و این زندگی دو روزه دنیا را خداوند این ها را [ناخوانا] آفریده بود دنیا این لیاقت را نداشت که این چنین انسان هایی را در دامن خودش نگه داری کند، به تعبیر آن روایت ها همان انسان هایی هستند که بالاتر از ملائکه هستند. پدر جان « خداوند با صابران است » اگر ناراحت باشید دلیل ندارد. شما که می دانید چرا این راه را انتخاب کردم راه انسان های [ناخوانا] وارسته این است. انسان های وارسته صدر اسلام، که آنها را شکنجه می دادند و بر روی ریگ های داغ می خواباندند، اما دست از « لا اله الا الله » بر نمی داشتند. ما رهروان آنها هستیم و از خدا می خواهیم در این راه ثابت قدم باشیم. پدر جان این مرگ ها افسوس ندارد، زیرا که این انسان ها همه چیزشان را برای خدا فروختند و در آن دنیا همه چیز دارند. ما باور قلبمان این است آنها که باور ندارند، حساب آنها جداست. طرف صحبت من با آنهاست [که] خداوند آن ها را هدایت کند تا حقایق را از چشم و دل ببینند.

و اما مادر جان: مادری که مصیبت دیدی و استقامت کردی درود خدا بر شما. به خدا قسم این را می بینم « که بهشت زیر پای شماست » به چه کسی خدا می خواهد بهشت بدهد؟ به چه کسی خدا می خواهد اجر بزرگ تر از اجر شما بدهد؟ شمایی که دو فرزند رشید خودت را در راه اسلام و قرآن فدا کردی و مانند زینب (س) که خود شاهد فرزندان بود که در کربلا به شهادت می رسیدند، آری زینب (س)، خواهر پر عاطفه حسین (ع) و فرزندان خودش عون و جعفر را با دست خودش به خاک سپرد و همیشه مانند کوه استوار بوده و هیچ گاه پیش دشمن گریه و ناله نکرد و موها را پریشان نساخت و صورت خودش را نیلی نکرد.

خواهران عزیزم: خواهران مهربان خودم امیدوارم که اگر خبر شهادت بنده را شنیدید، خیلی ناراحت نشوید. حق خودتان را برای من حلال کنید. من شماها را خیلی دوست داشتم که شما من را خیلی دوست داشتید، اما کاری که به خاطر خدا باشد و مرگی که در راه خدا باشد ناراحتی ندارد. استقامت کنید و صابر باشید. به پدر و مادر شما باید روحیه بدهید. فرزندان خودتان را خوب تربیت کنید. فرزندان که بتوانند در آینده

رسالت سنگین خون هزاران شهید را به دوش بکشند . فرزندان خودتان را با غیرت شجاع و مؤمن و مؤمنه تربیت کنید و شما صبر زینب (س) را نگاه کنید که زینب (س) به شما [ناخوانا]. رسول الله (ص) نماز خواند . پس از آن شاهد بود که مادرش زهر ا (س) چقدر رنج و شکنجه دید . زینبی که می آمد رخت خواب مادر مریض خودش می نشست گاهی [ناخوانا] گریه مادر زار زار گریه می کرد، در این زمان زینب (س) پنج سال بیشتر نداشت و بعدها نیز شاهد بود که مردم با پدر بزرگوارش چطور رفتار کردند و برادرش [ناخوانا] شهادت [ناخوانا] شدند و پس از [ناخوانا] شاهد به شهادت رسیدن فرزندان و برادر و برادرزاده های خود بوده و بعد نیز به اسارت می رود و اوست که کاخ یزید را به لرزه درآورد و به حق که قهرمان کربلا شد.

در پایان حضور [ناخوانا] خودم حسن جان و حسین آقا و عباس آقا بیان می کنم که خداوند کسانی را که در برابر مشکلات و مصائب صبر [ناخوانا] دارد . اما حسین جان دلم می خواهد خوب درس بخوانید و در آینده با علم خود به انقلاب اسلامی خدمت کنی و همچنین به رضا و حسین و داوود و رضا وصیت می کنم که درس را فراموش نکنند.

« والسلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته »